

سیمای شب در اندیشه پیر هرات

نویسنده: پوهاند فضل الرحمن فقیهی

چکیده

دو پدیده شب و روز در سخن سخنوران و ادبای همه زبانها و به ویژه زبان فارسی دری انعکاس متداوم یافته اند. در سخنان پیر هرات شیخ الاسلام انصاری، این دو پدیده، تجلی جدی و ارزشمند یافته اند؛ چنان که در یکی از رسایل خود، بخشی را به مناظره میان شب و روز اختصاص داده است. سخن از شب و فضایل آن در سخنان منظوم و منثور خواجه انصار جایگاه برازنده دارد؛ چنان معلوم است که شب در نگاه آن عارف نام آور، جایگاه والایی نسبت به روز دارد. این برترشماری از آنجا سرچشمه گرفته که شب به عنوان زمان آرامش و وقار، با توجه به مدلول نصوص شرعی، مناسب ترین هنگام برای عبادت، تقرب و راز و نیاز به درگاه پروردگار دانسته میشود. پژوهش کتابخانه‌یی این مقاله، سیمای شب از نگاه شیخ الاسلام انصاری را تبیین مینماید تا شناخت گوشه‌یی از اندیشه‌های عرفانی آن مرد بزرگ برای اهل مطالعه هموار گردد.

واژه‌گان کلیدی: شب، روز، انصاری، شریعت، عرفان، آیات، احادیث.

مقدمه

شب و روز به عنوان دو پدیده طبیعی و مورد مشاهده همه انسانها، معمولاً در سخن سخنوران و ادبا مطرح بوده اند؛ اما شب به طور خاص در دیدگاه دینی، به حیث میعادگاه راز و نیاز و تقرب، از اهمیت ویژه‌یی برخوردار است؛ از اینرو، در نگاه اهل عرفان، صاحب اهمیت تلقی شده و بحث و نظر در این مورد، در عرفان اسلامی مطرح است؛ از اینرو پیر هرات به عنوان یکی از اندیشمندان حوزه

ادب و عرفان، در آثار خود عنایت ویژه به شب داشته؛ چنانچه مناظره قابل اعتنایی میان شب و روز برقرار ساخته است تا اهمیت هریک به گونه آشکار و مستدل، نمودار گردد. شناخت ارزش شب در اندیشه پیر هرات، راه را برای رسیدن به سایر افکار ارزنده آن مرد بزرگ، هموار خواهد ساخت و بدین گونه میتوان ادعا کرد که طرح این موضوع برای شیفته گان آثار و افکار پیر هرات دارای جاذبه و ارزشمند است؛ علاوه براین، ارزش شب در فرهنگ اسلامی و طرح آن در تفکر شیخ الاسلام انصاری، بیانگر اعتنای وی به مبانی دینی است و میزان حضور روح نصوص شرعی در اندیشه های پیر هرات را آینه داری مینماید.

مقاله حاضر برای این نوشته شده تا جایگاه شب در اندیشه پیر هرات را با توجه به ارزش این پدیده در نصوص شرعی به بحث و بررسی بگیرد و دیدگاه خواجه انصار را در این مورد برای دوست داران آن مرد بزرگ و سایر اندیشمندان متباز سازد؛ بدین اساس، این مقاله به پرسشهایی از این قبیل پاسخ خواهد داد:

شب در حوزه اندیشه دینی و عرفانی چه ارزشی دارد؟

شب در تفکر خواجه انصار از چه جایگاهی برخوردار است؟

کدام یک از شب و روز در اندیشه پیر هرات برتر دانسته شده است؟

این مسأله کمتر مورد پژوهش اهل تحقیق واقع شده است. تا جایی که نگارنده مشاهده کرده، نصر الله پورجوادی در بخشی از اثرش روز و شب را در ادبیات فارسی و به ویژه در آثار ادبی - عرفانی به بررسی گرفته است. وی در این مبحث، از مناظره میان شب و روز در کنزالسالكین نیز یاد کرده، گوشه هایی از ویژگیهای آن مناظره را توضیح داده است (پورجوادی، ۱۳۸۵: ص ۴۴۴ - ۴۵۸).

اسدی طوسی نخستین شاعری است که در زبان فارسی مناظره یی میان شب و روز برقرار ساخته؛ طوری که شب و روز، بر دیگری برتری میجوید و میکوشد جایگاه خویش را برتر معرفی نماید. نزاری قهستانی، میان روز و شب نیز پیکاری برقرار ساخته است. مناظره منیر لاهوری نیز حاوی مناظره شب و روز است.

الف. جایگاه شب در نصوص شرعی

مسلم است که افکار همه عرفاء، به ویژه خواجه انصار از چشمه سار زلال وحی سیراب میشوند و نصوص شرعی در بنای افکار اندیشمندان عارف، نقش اساسی و بنیادین دارند؛ بدین اساس، برای تبیین ارزش شب در اندیشه پیر هرات شیخ الاسلام انصاری، نیاز است نخست، این موضوع در پرتو

نصوص شرعی برسنجیده شود. در آیات قرآن کریم و احادیث نبوی در مورد شب به پیمانه قابل اعتنایی سخن رفته و جایگاهش مشخص شده است. لذا نخست تجلی شب در نصوص قرآن و سنت به شکل جداگانه به بحث گرفته میشود و آنگاه به دیدگاه‌های خواجه در این مورد پرداخته خواهد شد.

۱. شب در آئینه آیات قرآن کریم

توجه و دقت به آیات قرآنی می‌رساند که شب در بیان قرآن کریم، وسیله آرامش و سکون و هنگام اطمینان خاطر دانسته شده است. قرآن کریم در مواضع متعددی از این امر یادآوری میکند؛ در یکی از آیات چنین آمده است:

«فَالِقُ الْإِصْبَاحِ وَجَعَلَ اللَّيْلَ سَكَنًا...» (الانعام: ۹۶).

(او شکافنده صبح است و شب را [محل] آرامش مقرر داشته...).

در موضعی دیگر باز از شب به عنوان محل آرامش، چنین سخن رفته است:

«هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا...» (یونس: ۶۷).

(او ذاتی است که شب را مقرر داشته تا در آن آرامش یابید و روز را روشنگر ساخته است).

قرآن کریم پیامبر، صلی الله علیه وسلم، را مأمور ساخته، شب هنگام به راز و نیاز مخصوص با پروردگار شان بپردازند. این عبادت ویژه و ارزشمند، تهجد نامیده شده و در این باره است که الله متعال برای ایشان فرموده است:

«وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسَى أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا...» (الاسراء: ۷۹).

(و در برخی از شب تهجد بخوان، که عبادت نافله‌ای برای توست، شاید که پروردگارت تو را به جایگاه ستوده‌یی برساند).

در جای دیگر، قرآن کریم، پیامبر، صلی الله علیه وسلم را مأمور شب زنده داری ساخته و بدین ترتیب بر ارزش شب تأکید صورت گرفته و می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الْمُزَّمِّلُ قُمِ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا نِصْفَهُ أَوْ انْقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا...»

(مزمّل: ۱-۴).

(ای جامه در هم پیچیده، شب را جز اندکی به عبادت بایست، نصف آن را یا کمی از آن کم کن، یا بر آن بیفزای و قرآن را با ترتیل بخوان).

در قرآن کریم، یکی از صفات مؤمنان راستین صدر اسلام، همانا شب زنده داری و عبادت در هنگام شب دانسته شده که این برخورد، جایگاه شب را متبارز میسازد. برای بیان این امر آمده است:

«كَانُوا قَلِيلًا مِنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ وَبِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ» (الذاریات: ۱۷).

(آنان کمی از شب را میخوابند و به سحرگاهان آمرزش میطلبند).

۲. شب در آئینه احادیث نبوی

شب در احادیث نبوی، صلی الله علیه وسلم، نیز جایگاه خاصی را دارا می باشد و ارزشمند تلقی شده است. در حدیث طولانی که عمرو بن عبسه از پیامبر، صلی الله علیه وسلم، در مورد بهترین اوقات سوال کرد، آخر شب بهترین اوقات دانسته شده است. وی از ایشان پرسید:

«أَيُّ السَّاعَاتِ أَفْضَلُ؟» - کدام اوقات (برای عبادت و دعا) بهتر است؟

به پاسخ وی فرمودند: «جَوْفُ اللَّيْلِ الْآخِرُ - میان آخر شب.» (ابن حنبل، حدیث: ۱۹۴۳۵).

در همین حدیث به روایت ابوداود آمده است که به پاسخ وی فرمودند:

«جَوْفُ اللَّيْلِ الْآخِرُ، فَصَلِّ مَا شِئْتَ، فَإِنَّ الصَّلَاةَ مَشْهُودَةً مَكْتُوبَةً، حَتَّى تُصَلِّيَ الصُّبْحَ...»

(ابوداود، حدیث: ۱۲۷۷).

(نیمه آخر شب؛ پس در آن هنگام هرچه میخواهی نماز بخوان؛ زیرا نماز مشهود و نوشته شده است، تا اینکه نماز صبح را بخوانی...).

باز در حدیث دیگری به روایت مسلم، ادای نماز در آخر شب، بهترین نماز دانسته شده است.

در آنجا آمده که پیامبر، اسلام صلی الله علیه وسلم، فرمودند:

«أَفْضَلُ الصَّلَاةِ، بَعْدَ الصَّلَاةِ الْمَكْتُوبَةِ، الصَّلَاةُ فِي جَوْفِ اللَّيْلِ...» (مسلم، حدیث: ۱۱۶۳).

(بهترین نماز، بعد از نماز فرض، نماز در میان شب است).

از همین جهت پیامبر اسلام، صلی الله علیه وسلم، آخر شبها را زنده نگه میداشتند. امام مسلم از ابن عباس روایت کرده که رسول الله، صلی الله علیه وسلم، نیمه آخر شب بر میخواستند و چنین میفرمودند: «اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ، أَنْتَ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، وَلَكَ الْحَمْدُ...» (مسلم، حدیث: ۷۶۹).

(بارالها، حمد برای توست؛ تو نور آسمانها و زمین استی و حمد برای توست).

در حدیث دیگری به روایت ترمذی که آن را البانی صحیح شمرده، ایشان برای معاذ بن جبل

فرمودند، که آیا تو را به دروازه های خیر رهنمایی نکنم؟ آنگاه در ضمن بیان ابواب خیر، یکی را

چنین معرفی داشتند: «وَصَلَاةُ الرَّجُلِ مِنَ جَوْفِ اللَّيْلِ - و نماز شخص در نیمه آخر شب» (ترمذی، حدیث: ۲۶۱۶)؛ سپس این آیه را به عنوان استشهاد تلاوت نمودند:

«تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ» (السجدة: ۱۶).

(پهلوهایی شان از خوابگاه‌ها دور است).

به همین گونه هنگامی که از پیامبر، صلی الله علیه وسلم، پرسیده شد که:

«أَيُّ الدُّعَاءِ أَسْمَعُ؟ - کدام دعای بیشتر قابل پذیرش است؟».

در پاسخ فرمودند: «جَوْفَ اللَّيْلِ الْآخِرِ، وَدُبَرَ الصَّلَوَاتِ الْمَكْتُوبَاتِ - نیمه آخر شب و عقب نمازهای فرض» (ترمذی، حدیث: ۳۴۹۹).

باز در حدیث دیگری رَسُولُ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فرمودند:

«مَا مِنْ قَطْرَتَيْنِ أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ مِنْ قَطْرَةٍ فِي سَبِيلِهِ، أَوْ مِنْ قَطْرَةٍ دُمُوعِ قَطَرَتْ مِنْ عَيْنِ رَجُلٍ قَائِمٍ فِي جَوْفِ اللَّيْلِ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ» (ابن ابی شیبہ، حدیث: ۳۴۴۰۹).

(هیچ چیزی از دو قطره در نزد الله محبوب تر نیست؛ از قطره [خونی که] در راه او [ریخته] باشد و از قطره اشکی که از چشم شخصی ایستاده در میان آخر شب از ترس الله بریزد).

معیار ارزش شب در نزد رسول الله، صلی الله علیه وسلم، از روایت مغیره دانسته میشود. وی روایت میکند که ایشان شب هنگام چندان نماز می خواندند که قدمهای شان آماسیده بود. برای شان گفته شده که الله متعال گذشته و آینده تان را آمرزیده است. فرمودند:

«أَفَلَا أَكُونُ عَبْدًا شَكُورًا» (بخاری، حدیث: ۴۸۳۶).

(آیا من بنده شکر گزار نباشم؟).

به همین گونه در حدیث دیگر، آخر شب وقت نزول بلاکیف پروردگار به آسمان دنیا معرفی شده که در این هنگام عبادات و طلب آمرزش مورد قبول واقع میشوند و خواسته‌های شب زنده دار از جانب الله متعال برآورده میشوند. در این حدیث مبارک آمده است که پیامبر، صلی الله علیه وسلم، فرمودند: يَنْزِلُ رَبُّنَا تَبَارَكَ وَتَعَالَى كُلَّ لَيْلَةٍ إِلَى السَّمَاءِ الدُّنْيَا، حِينَ يَبْقَى ثُلُثُ اللَّيْلِ الْآخِرِ فَيَقُولُ: مَنْ يَدْعُونِي فَأَسْتَجِيبَ لَهُ، مَنْ يَسْأَلُنِي فَأُعْطِيَهُ، مَنْ يَسْتَغْفِرُنِي فَأَغْفِرَ لَهُ. (بخاری، حدیث: ۷۴۹۴ - مسلم، حدیث: ۷۵۸).

ب. مقام شب در تفکر پیر هرات

با توجه به مدلول نصوص شرعی و ارزشی که شب در نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم داشته، شب در تفکر خواجه انصار، جایگاه برجسته و عزیز دارد و او همیشه برای شب ارزش خاصی قایل

است. چنان می نماید که او در روشنایی نصوص شرعی این همه ارزش و اعتنا را برای شب قایل شده است. در زیر برای بیان ارزشمندی شب در نگاه پیر هرات، مواردی که بیانگر این امر هستند، به بحث گرفته می شوند:

۱. تبارز شب با یک مناظره

ارزش دهی پیر هرات برای شب از آنجا آیینی داری شده که وی ضمن یادآوری شب در مواضع زیادی از آثارش، خواسته است جایگاه شب را با روش مناظره برازنده سازد و آن را بر روز ترجیح دهد. چه روش مناظره، توجّه خواننده را به خود جلب می کند و پدیده یا مفهوم مورد نظر را در منظر بیننده مهم و ارزشمند نمایش می دهد. در مناظره میان شب و روز که آن را پیر هرات برگزار کرده روز برای شب چنین می گوید:

«من زیارت احبابم و عمارت اسبابم، نفقه زن و فرزندم، صدقه خویش و پیوندم، هنگام زراعتم روز بازار بضاعتم، سفره من نور است ظلمت من از دور است، خوان من اسباب است، کرم من آفتاب است، گنج نامه من این فی ذلک لآیات لأولی الألباب است.» (انصاری، ۱۳۸۰: ص ۵۶۱).

اما شب خوشتن را برای روز، توصیف کرده و می گوید که من «صومعه حضورم سجاده سرورم؛ آرام دلهايم سکنه سرهايم؛ راحت اشباحم صیقل ارواحم؛ پناه ابرارم گریزگاه اخیارم؛ زاهد ایامم شاهد شب نامم؛ سلطان بی ملیم، شهرت یافته یا ایهام المزمّل قمّ اللیل ام.» (همانجا).

۲. طرح ماده گرایی روز و معناگرایی شب

خواجه انصار برای بیان ارزش و برتری شب بر روز، شب را معنویتگرا و روز را مادیگرا تمثیل کرده است. او خواسته میان آن دو پدیده با این دو خصوصیت موازنه برقرار سازد تا ارزش یکی بر دیگری تبارز یابد. این ویژگی، همچنان که با مناظره پیشتر نیز قابل ملاحظه بود، با این حلقه از مناظره نیز قابل مشاهده است:

«روز گفت: ای شب، اینها که گفتی راست است، اما تو غلام حبشی و من حُرّم؛ تو شبیهی و من دُرّم. ای شب تو رعیتی و من شاهم؛ تو ستاره ای و من ماهم. ای شب تو زاغی و من شهبازم؛ تو بلالی و من ابوبکر صاحب رازم، بلال حبشی به جای ابوبکر قرشی نشاید.

ای شب سخنی تو بشنو از من به خوشی

با آن که تو را ستوده شاه قرشی

خواهی که به جای من نشینی نسزد

بر جای ابوبکر بلال حبشی.» (انصاری، ۱۳۸۰: ص ۵۶۱).

به همین روش، شخصیت روز، جایگاه ظاهری و مادی خود را بر رخ شب می کشد و چنین

می‌افزاید:

«ای شب تو کیستی؟ زنگی سیاهی و من ختنی زاده چو ماهی. ای شب تو در خرابه تاریکی‌ها بومی، و من بر تخت بخت روز سکندر رومی. ای شب تو حبشی مشعله‌داری و من شهرت یافته بزرگواری.» (انصاری، ۱۳۸۰: ص ۵۶۲).

اما شب در برابر این همه فخر فروشی که از جانب روز مطرح شده، نخست جایگاه خویش را در برابر مفاخرات او، چنین تبارز می‌دهد:

«ای روز، من آن شاه شب نامم، که مریخ دربان من است، عطارد دیوان من است، زهره مهمان من است، زحل پاسبان من است، ماه چراغ رخشان من است، شفق شاهد نور افشان من است.» (همانجا).

بعد از آن در مقام مقایسه، جایگاه خویش را بر شب برتر از شب توصیف می‌کند و می‌گوید:

«ای روز، اگر تو را تاج نوربخش زرین است، مرا دُرّ غُرّ بهجت افزای پروین است. اگر تو را از اشعه آفتاب لباس شستری است، مرا نیز در بناگوش اسرار دُرّ شاهوار مشتری است. اگر تو را بر خوان قرص آفتاب است، مرا نیز شادروان زربفت ماهتاب است. اگر از پنج وقت نماز سه در تو گزارده است، مرا شاهد ماه شب چهارده است. اگر تو را به تفاخر و بزرگواری میل است، مرا خطاب مستطاب یا ایها المزمّل قم اللیل است.» (همانجا).

سپس ادعای روز را با معنویت گرایی، رد می‌کند و برتری جویی آن را انکار می‌نماید:

«ای روز اگر مرا گفתי سیاهی، باک نیست؛ جامه کعبه سیاه است، بیت الله سیاه است، حجر الاسود سیاه است یمین الله است. ای روز اگر من سیاهم باکی نیست؛ مداد سیاه است مدد ادب است، اطلس سیاه است زینت خطب است. ای روز اگر من سیاهم باکی نیست، سنگ محک سیاه است؛ عزت صرافان است، نرگس چشم سیاه است؛ غارت وقت مشتاقان است. ای روز اگر من سیاهم باکی نیست؛ زیب سیاه است؛ شفای بیماران است، هلیله سیاه است؛ دوی دردمندان است.» (همانجا).

۳. جانبداری حق از شب

بیان خواجه انصار می‌رساند که سرانجام، حق تعالی از شب جانبداری و طرفداری می‌کند و او را بر روز، پیروزی می‌بخشد. این بیانگر آن است که در تفکر خواجه، توحید تسلیم و توکل، نقش عمده دارد و تنها فقط پروردگار است که برای همگان عزت و ذلت می‌بخشد؛ حتی برای شب و روز نیز. وی گفته است:

«شب به حضرت عزت بنالید که الهی اگر روز بنده رومی درگاه است، شب نیز غلام حبشی بارگاه است. به جاه نبی قرشی که این حبشی شب را بر رومی روز فیروز گردان. باری عز اسمه

خطاب فرمود که ای روز، بعد از این بر شب شکسته دل مفاخرت مکن که شب پرده عصمت است، جذبه رحمت است. شب باغ یقین است، چمن این للمتقین است. شب پناه انبیاست، گریزگاه اولیاست؛ شب سجده گاه عباد است خلوتگاه زهاد است، شب خزینه اسرار است، سفینه ابرار است، شب خوان احسان بر است، سرمه روشنایی چشم بر است» (انصاری، ۱۳۸۹: ص ۵۵۶).

۴. ترجیح شب بر روز در نگاه پیر هرات

پیر هرات سرانجام، شب را بر روز پیروز می داند. نگاه پیر هرات با توجه به فضایل عبادت و راز و نیاز در شب، در پیروی از نصوص شرعی انعطاف یافته و شب را بر روز ترجیح داده است. این ترجیح از نحوه بیان خواهی در رسایل او به گونه منظوم و منثور تبارز یافته است. وی در ضمن رباعی ادعای برتری شب بر روز را به حق می داند و چنین گفته است:

در شب دل زنده را به حق میل بود

در دیده شبروان او سیل بود

بر روز مفاخرت کنی می شاید

ای شب چو چراغ تو قم اللیل بود (انصاری، ۱۳۸۹: ص ۵۵۵).

۵. شب، هنگام وصال به محبوب

در نگاه پیر هرات، سالک محب در هنگام شب به محبوب خود می تواند دست یابد و از اینرو همیشه در پی دریافت این زمان است تا بتواند از آن حظی ببرد و کمالی حاصل کند. پیر هرات در ضمن رباعی این ویژگی شب را چنین تبیین کرده است:

سالک به غم تو خشک لب می باید

شیدای تجلیات شب می باید

جانی که ز سوز روز حظی خواهد

پیوسته نیازمند شب می باید (انصاری؛ ۱۳۸۹: ۵۵۵).

شیخ الاسلام این حقیقت را با بیانی زیبا و تمثیلی چنین بیان داشته و به سلک جملات تنظیم داده است:

«طالبی که روزنامه محبت نخواند، او قدر غلبات جذبات تجلیات شب چه داند؟ سکندر سرّی

که در عالم تاریکی شب به میامن نظر عنایت رب، آب حیات نجات مناجات نیافته است، او قیمت دم ندّم صبح چه شناسد؟ کو عاشق شب خیزی، صادقی اشک ریزی، تا قدر شب بداند؟» (همانجا).

۶. شب سرمایهٔ زندگانی و مایهٔ رحمت الهی

پیر هرات شب را روشنی قلب به گونهٔ جاودانه می‌شمارد و بدین گونه شب زنده داری را مایهٔ فروغ ایمان سالک برشمرده است. او امتزاج تاریکی شب و تفکر و مناجات سالک را مایهٔ تحصیل معارف و فیضان برکات بر قلب سالک می‌داند. بدین اساس است که گفته است:

شب چیست چراغ جاودانی
یا شعلهٔ شمع آن جهانی
شب برقع اطلس سیاه است
بر چهرهٔ شاهد معانی
در طور شب است نور معنی
جان مست شراب لن ترانی
با عاشق اشک ریز شب خیز
شب راست کرشمهٔ نهانی
شب چیست به قول پیر انصار
سرچشمهٔ آب زندگانی
ای دولت سین سرّ جانت

گر عزّت شین شب بدانی (انصاری، ۱۳۸۹: ص ۵۵۶)

وی در ضمن باب مناظرهٔ شب و روز، شب را محل فیضان رحمت الهی دانسته می‌گوید:
«هر بحری را که می‌بینی او را لبی است و هر روزی را در عقب شبی است. گلبن باغ بلاغت
شب است و خزاین دفاین رحمت حق به شب است.» (انصاری، ص ۵۵۳).

۷. شب، مایهٔ مغفرت و آیینۀ معرفت

خواجه عبد الله انصاری، سیاهی شب را باعث پوشش و کفارهٔ گناهان، لحظات آن را گنج عافیت مشتاقان، گذار آن را راه بهشت، عبادت در آن را آیینۀ معرفت و گنج شناخت برشمرده و این مفاهیم را در ضمن عباراتی چنین تبیین نموده است:

«چنان که سقف سماء را سیارات است، هرغفلت و زلتی را نیز کفارات است؛ کفارت گناه مؤمنان تب است، گنج عافیت مشتاقان شب است. در معنی شب سراپردهٔ ظلام است و یا خود شاه‌راه بلدهٔ والله یدعو الی دار السلام است. شب که در او نماز گزاری، آیینۀ معرفت است؛ چون نیاز عرضه داری، گنجینۀ مغفرت است. روزی که به معصیت به سر می‌بری نامهٔ گناهی است پر ظلمت، شبی که به غفلت به پایان می‌رسانی شبه سیاهی است بی‌قیمت.» (همانجا).

او به شکل باریک بینانه با حروف شب، بازی هنرمندانه کرده و شب را مایه برکت و شفقت دانسته می گوید:

«شب دو حرف است» شین «و» با. «شین او شفقت إنک لعلی خلق عظیم است و بای او برکت بسم الله الرحمن الرحیم است.» (همانجا).

او بیداری شب و ریاضت در آن را مایه تحصیل معرفت دانسته که سالک به این وسیله می تواند قلب خویش را به حکمت منور سازد و زبانش را به حکمت و دانش مزین گرداند. در این باره است که گفته است:

«سیاه و سفید چندین هزار اسرار نهان بر اهل جهان پیدا می شود که: «ن. والقلم وما یسطرون» در عالم معنی چون کاتب سر سالک قلم تیز کار اذکار روز را به وسیله مداد شب سیاه بر قرطاس اخلاص و قوموا لله قانتین روان دارد، لطایف ازل و ابد بر او کشف گردد که: من أخلص لله اربعین صباحا ظهرت ینابیع الحکمة من قلبه علی لسانه.» (انصاری، ۱۳۸۹: ص ۵۵۵).

۸. فروغ دل و کرامت در شب زنده داری

شب زنده داری در تفکر پیر هرات، مستلزم روشنایی و فروغ دیده دل و مایه سعادت دوجهان شمرده شده است. وی با تعمق در حلقه یی از داستان نوح علیه السلام گفته است:

«شنیده باشی که سیلاب طوفان نوح تیره بود چشم او خیره گردانید، کشید به امر الله سرمه سیاه، تا روشنایی چشم او بر مزید شد، در عالم معنی نیز سیلاب طوفان غفلت روز مگیر تیره است که چشم روح از او مجروح و خیره است؟ لاجرم کحال حکمت، سرمه سیاه شب را به وسیله میل قم اللیل در دیده دل تو می کشد، تا بینای ازل و ابد شوی؛ چنان که رسول الله ص می فرماید: «عَيْنَانِ لَمْ تَمْسَهُمَا النَّارُ عَيْنٌ بَكَتْ فِي جَوْفِ اللَّيْلِ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَ عَيْنٌ بَاتَتْ فِي سَبِيلِي [ترمذی، حدیث: ۱۶۳۹].» (همانجا).

شیخ الاسلام انصاری گریه در شب را مایه کرامت دانسته و این امر را مایه دور شدن موانع از راه سالک می شمارد. او بر این نظر است که باید تقصیرات و گناهان را باید با آب ندامتی شست که شب هنگام از دیدگان سالک سرازیر می شود و با صفای این آب، نامه سیاه را می توان شست و شوی داد. وی می گوید:

«عارفان را در شب به گریه فرمایند تا چون روی دل ایشان به قطرات ندامت شسته گردد، نظر کرامت یابند؛ یعنی گل چینند و خار نبینند، در نور نشینند و نار نبینند.» (انصاری؛ ۱۳۸۹: ۵۵۴)

۹. سالک، نیازمند و شیدای شب

در نگاه شیخ الاسلام انصاری، سالک نیازمند و دل داده شب است و همین شب است که با

آرامش و سکون لحظات و با وقار و شکوه سحرگاهانش، کار سالک را می‌سازد و جایگاه او را در نزد مولایش برجسته می‌کند و مقرب درگاهش می‌گرداند. او همه این مفاهیم را چنین ارائه کرده است:

سالک به غم تو خشک لب می‌باید

شیدای تجلیات شب می‌باید

جانی که ز سوز روز حظی خواهد

پیوسته نیازمند شب می‌باید (انصاری؛ ۱۳۸۹: ۵۵۵).

نتیجه گیری

از آنچه در این مقاله گفته آمد، به این نتیجه دست می‌یابیم که شب در حوزه عبادات و تقرب، و در معیار سلوک و ریاضت، نسبت به روز برتر شمرده شده است. این مفهوم و حکم، هم در نصوص شرعی کتاب و سنت، جلوه یافته و هم در دیدگاه اهل تحقیق، اعم از فقهاء و عرفاء، طرح و تأیید گردیده است. دلیل این امر، سکون و آرامش خاطر عالم انسان از وسوس حیات مادی است که در شب هنگام تحقق می‌یابد و در روز چنین ویژگی، کمتر تحقق یافتنی است.

همین برتری شب در نگاه پیر هرات شیخ الاسلام انصاری نیز امری محسوس و مشهود است. او به شکل بسیار زیبا در یکی از آثارش، با طرح مناظره میان شب و روز، جایگاه شب را برجسته تر می‌نماید و در این مناظره سرانجام، شب را بر روز غلبه می‌دهد و آن را به اوصاف برتر می‌ستاید. وی ضمن اینکه شب را برخلاف مادیگری روز، معنویت گرا معرفی داشته است، آن را هنگام وصال به محبوب، سرمایه زندگانی سالک، مایه رحمت الهی، باعث مغفرت، آینه معرفت، فروغ دل، و وسیله کرامت برشمرده است. بدین ترتیب، سالک را سخت نیازمند شب و شب زنده داری دانسته است.

منابع

۱. قرآن کریم.

۲. ابن ابی شیبۀ، أبو بکر عبد الله بن محمد بن إبراهيم بن عثمان بن خواستی العبسی. (۱۴۰۹).

المصنف فی الأحادیث والآثار. چاپ اول. المحقق کمال یوسف الحوت. ریاض: مکتبه الرشد.

۳. ابن حنبل، أبو عبد الله أحمد بن محمد بن حنبل بن هلال بن أسد الشیبانی. (۱۴۲۱ هـ - ۲۰۰۱ م).

مسند الإمام أحمد بن حنبل. المحقق شعيب الأرناؤوط - عادل مرشد وآخرون، إشراف: عبد

الله بن عبد المحسن التركي. بيروت: مؤسسة الرسالة.

۴. ابو داود السجستانی، سلیمان بن الأشعث بن إسحاق بن بشیر بن شداد بن عمرو الأزدي. (بی تا). **سنن أبي داود**. المحقق محمد محیی الدین عبد الحمید، صیدا. بیروت: المكتبة العصرية.
۵. انصاری، خواجه عبد الله. (۱۳۸۰). **کنز السالکین**. به تصحیح و مقدمه محمد سرور مولایی. چاپ دوم. تهران: انتشارات توس.
۶. انصاری، خواجه عبد الله. (۱۳۲۸هـ ق). **گنجنامه**. به سعی و اهتمام حاجی بهادر خان و زکریا خان. چاپ دوم. پشاور: کتابخانه نعمانی.
۷. بخاری الجعفی، أبو عبدالله محمد بن إسماعیل. الجامع المسند الصحيح المختصر من أمور رسول الله صلى الله عليه وسلم و سنته وأيامه (بی تا). **صحیح البخاری**. المحقق: محمد زهیر بن ناصر الناصر. چاپ اول، الناشر: دار طوق النجاة (مصورة عن السلطانية بإضافة ترقيم محمد فؤاد عبد الباقي).
۸. پورجوادی، نصر الله. (۱۳۸۵). **زبان حال در عرفان و ادبیات پارسی**. چاپ نخست، تهران: انتشارات هرمس.
۹. ترمذی، محمد بن عیسی بن سوره بن موسی بن الضحاک. (۱۳۹۵هـ - ۱۹۷۵م). **سنن الترمذی**. تحقیق و تعلیق: احمد محمد شاکر (ج ۱، ۲)، محمد فؤاد عبد الباقي (ج ۳) و ابراهیم عطوة عوض المدرس فی الأزهر الشریف (ج ۴، ۵). چاپ دوم. پنج جلد. مصر: شرکت مکتبه و مطبعه مصطفى البابي الحلبي.
۹. قشیری النیسابوری، أبو الحسن مسلم بن الحجاج. (بی تا). **صحیح مسلم** (المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله صلى الله عليه وسلم). المحقق: محمد فؤاد عبد الباقي. بیروت: دار إحياء التراث العربی.